

Examining the position and concept of dialogue and questioning in the teachings of Hazrat Ali (peace be upon him)

Seyyed Hossein Vaezi¹ | Khadijeh Tofanfard² | Zohreh Saadatmand³

Abstract

Conversation and questioning is an important part of expression, which is considered as the most important human capital and makes man capable of many things and has created many sciences and knowledge and has played an important role in transferring experimental knowledge and increasing data and information, correcting and reconstructing them. More than any other religion, Islam has insisted on dialogue as a principle to make people aware of the truths of existence and to acquaint them with its evolutionary method and to achieve the superior religion and method. Therefore, the present research has been conducted in order to examine the place and concept of dialogue and questioning in the teachings of Hazrat Ali (peace be upon him) which is practical in terms of purpose and analytical-descriptive in terms of method. The scope of this research included the books Nahj al-Balagha, Tohf al-Aqool, Mizan al-Hikma, Gharar al-Hakma in relation to the topics of conversation and questioning, which were sampled in a targeted way. The data collection tool was made by the researcher. In this research, the required data was first extracted from the review of Islamic texts. Then data analysis was done with thematic coding including three stages (open, central and selective coding) using analogical categorization system.

The findings of the research indicate that the analysis of the meanings of dialogue, questioning and its types in the teachings of Hazrat Ali (peace be upon him) includes 17 dimensions. Meanings of conversation (wise speech, speech with thought, timely speech and truthful speech), the meanings of questioning (asking to remove ignorance, not harm, eagerness to know, covering up flaws, trying to increase awareness, eloquent answer and knowing right from wrong), Types of dialogue (defense of the truth, understanding dialogue, dialogue with a specific goal) and types of questioning (questioning timely, good questions, targeted questions and exploratory questions)

Keywords: Imam Ali ; questioning; Conversation; teachings.

DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.57.4.5

1. Corresponding author: Associate Professor of Theology Department, Isfahan Islamic Azad University (Khorasgan), Isfahan, Iran. Sh.vaezi@khuisf.ac.ir

2. PhD student in Philosophy of Education, Isfahan Islamic Azad University (Khorasgan), Isfahan, Iran.

3. Associate Professor of the Department of Educational Sciences, Isfahan Islamic Azad University (Khorasgan), Isfahan, Iran.

57

Vol. 30
Winter 2023

Research Paper

Received:
13 June 2021
Accepted:
17 July 2021
P.P: 117-150

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196





بررسی جایگاه و مفهوم گفتگو و پرسشگری در آموزه‌های حضرت علی(ع)

سید حسین واعظی^۱ | خدیجه طوفان فرد^۲ | زهره سعادت‌مند^۳

چکیده

گفتگو و پرسشگری بخش مهمی از بیان است که به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه بشری به‌شمار می‌رود و انسان را به بسیاری از امور توانا و قادر ساخته و علوم و دانش‌های زیادی را پدید آورده و در انتقال دانش‌های تجربی و افزایش داده‌ها و اطلاعات، تصحیح و بازسازی آن‌ها نقش مهمی ایفا کرده است. اسلام بیش از هر دینی به گفتگو به‌عنوان یک اصل جهت آگاه‌سازی مردم از حقایق هستی و آشنا ساختن آنان با روش تکاملی خود و دستیابی به آیین و روش برتر، پافشاری کرده است. بنابراین پژوهش حاضر به‌منظور بررسی جایگاه و مفهوم گفتگو و پرسشگری در آموزه‌های حضرت علی(ع) انجام شده است که از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، تحلیلی-توصیفی است. حوزه این پژوهش شامل کتاب‌های نهج‌البلاغه، تحف العقول، میزان الحکمه، غررالحکم در رابطه با مباحث گفتگو و پرسشگری بود که به روش هدفمند نمونه‌گیری شدند. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌های محقق ساخته بود. در این تحقیق ابتدا داده‌های مورد نیاز از بررسی متون اسلامی استخراج شد. سپس تجزیه و تحلیل داده‌ها با کدگذاری موضوعی شامل سه مرحله (کدگذاری باز، محوری و گزینشی) با استفاده از نظام مقوله‌بندی قیاسی انجام شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است تحلیل معانی گفتگو، پرسشگری و انواع آن در آموزه‌های حضرت علی(ع) شامل ۱۷ بُعد است. معانی گفتگو (سخن حکمت‌آمیز، سخن همراه با اندیشه، سخن به موقع و سخن حق)، معانی پرسشگری (پرسش برای رفع جهالت نه آزار، اشتیاق به دانستن، پوشاندن عیب‌ها، تلاش برای افزودن آگاهی، پاسخ اندرزگویانه و شناخت حق از باطل)، انواع گفتگو (دفاع از حقیقت، گفتگوی مفاهمه‌ای، گفتگو با هدف مشخص) و انواع پرسشگری (پرسش به موقع، پرسش نیکو، پرسش هدفمند و پرسش اکتشافی) است.

کلیدواژه‌ها: امام علی(ع)؛ پرسشگری؛ گفتگو؛ آموزه‌ها.

DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.57.4.5

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه الهیات، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
Sh.vaezi@khuif.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
۳. دانشیار، گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

مقدمه

روح تشنه آدمی همواره در پی کشف رازهای نهفته و سر به مهر هستی در تکاپو بوده و پیشرفت و تعالی علمی بشر در وجوه گوناگون را می‌توان مرهون همین حیات پرسشگر و روحیه کنجکاو او دانست (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۱۱). این ویژگی فطری یکی از موضوعات مهمی است که در اسلام بسیار مورد تأکید بوده و بارها به آن دعوت شده است. نگاهی نه چندان عمیق به متون اسلامی نیز این نکته را آشکار می‌کند که یکی از وجوه بارز دین پرسشگری به‌عنوان نقطه، اسلام تأکید بر اندیشه‌ورزی و پرسشگری است. چنان که در قرآن و سایر متون اسلامی شروع اندیشه و شناخت مورد استقبال قرار گرفته است. از این جهت به نظر می‌رسد هیچ دینی به اندازه دین اسلام به پرسش و اندیشه‌ورزی ارجح ننهاد و بدان توصیه نکرده است. تکرار قریب به سه هزار واژه و کلمه مرتبط با موضوع پرسش در قرآن کریم و طرح بیش از هزار آیه قرآن به‌صورت پرسشی حکایت از اهمیت پرسشگری در گفتمان قرآنی دارد (ایض شلمانی، ۱۳۸۰: ص ۲۱). انسان مورد نظر قرآن، انسانی نیست که دنباله‌رو کور و بدون پرسش گذشتگان خود باشد (الزخرف، آیه ۲۳؛ لقمان: آیه ۲۱). پرسشگر و جستجوگر که با اندیشه و خرد خود دست به انتخاب می‌زند. قرآن بدترین جنبندگان را نزد خداوند انسان‌های کر و لالی می‌داند که نمی‌اندیشند. (الانعام، آیه ۲۲). پرسش نوعی کنش گفتار و مهم‌ترین شکل تعامل انسانی است که مستقیم یا غیرمستقیم ارتباطی بر مبنای پرسش و پاسخ پی‌ریزی می‌کند (هارجی و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۰۲).

بنابراین می‌توان پرسش را یک تعامل اجتماعی دانست که به‌دنبال مطالبه اطلاعات یا انجام کاری است (نیازی و گودرزی، ۱۳۹۶: ص ۲۱۲). سؤال یا پرسش، عبارتی زبانی با مضمون درخواست اطلاعات است. پرسشگری از جمله مهارت‌های مؤثری است که راه به پاسخ و یقین می‌برد و نهادینه کردن این رسم نیکو، به معنای دست‌گیری مخاطبان برای رسیدن به سر منزل مقصود در جاده تعلیم و تربیت است. پرسش برای رشد، پیشرفت و تحول است. این تحول، متحول شدن ذهن فردی و ذهن اجتماعی است. ما برای این پرسش می‌کنیم که اوضاع بهتر و گزینه‌های احتمالی قوی‌تر و بهتر را کشف کنیم و قرار است به زندگانی، اوضاع و وضعیت سنجیده‌شده تری برسیم. برخی صاحب‌نظران، تفکر انتقادی را شامل چهار مؤلفه می‌دانند که عبارتند از: پرسشگری،

اطلاعات، ارزیابی و نتیجه‌گیری. آن‌ها پرسشگری را عبارت از پرسیدن سؤال مناسب از خود و دیگران برای فهمیدن دقیق‌تر مطلب یا مسئله مطرح‌شده می‌دانند (گنجی و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۸).

از منظر قرآن کریم پرسش باید از اهل دانش باشد تا به علم و آگاهی پرسشگر منجر شود (النحل، آیه ۴۳ و الانبیاء، آیه ۷). و این نوع پرسشگری یعنی پرسیدن از دانایان موجب خوب دانستن می‌شود و کسی هم که خوب بداند، همان‌طور که امام علی (ع) می‌فرماید می‌تواند پرسش‌های خوبی بپرسد و در واقع یک حالت فرارونده مداوم بین دانستن و پرسیدن فراهم می‌شود و دیالکتیکی دائمی بین آن‌ها شکل می‌گیرد. در واقع هر دانستی به‌عنوان زمینه‌ساز برای طرح پرسش یا ابهام و ندانستی عمل می‌کند و در اثر تقابل این دو، دانستی جدید حاصل می‌شود و این چرخه ادامه می‌یابد (مهرمحمدی، ۱۳۸۴: ص ۷). جلال‌الدین مولانا نیز در کتاب مثنوی، پرسش و پاسخ را ناشی از نوعی علم دانسته و آن دو را به خار و گلی تشبیه کرده است که از خاک و آب می‌رویند. از نظر وی همبستگی شک و شناخت و پرسش و پاسخ همانند ارتباط خار و گل، ضلالت و هدایت و دوستی و دشمنی است. همان‌گونه که دوستی و دشمنی معانی خود را تنها در زمینه نوعی آشنایی باز می‌یابند، ضلالت و هدایت و پرسش و پاسخ نیز در زمینه نوعی ادراک تحقق‌پذیر معنی می‌یابند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۷). هم‌چنین علاوه بر متن مقدس قرآن، در گفتار و رفتار پیامبر و ائمه نیز شواهد بسیاری می‌یابیم که بر تفکر و پرسشگری تأکید شده است. «در نظر پیشوایان ما پرسش و پاسخ، نقد و نظر و برخورد اندیشه‌ها، موجب پیدایش رای صائب و استوار است» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۱۳). هم‌چنین در میان اولیای دین امیرالمؤمنین علی (ع) به مفهوم گفتگو و مفهوم پرسشگری توجه ویژه دارد و انسان را به پرسشگری دعوت می‌کند؛ چنانچه امام علی (ع) همواره به یارانش گوشزد می‌کرد «تا مرا از دست نداده‌اید (هرچه را نمی‌دانید) از من پرسید» (دشتی، ۱۳۹۵، خطبه ۱۸۹-۹۳). پرس از چیزهایی که ناچاری بدانی و در ندانستن آن معذور نیستی (تمیمی‌آمدی، ۱۳۹۵، جلد ۴: حدیث ۵۵۹۵). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امام علی (ع) سؤال بودن ایشان بوده است. سؤال صیغه مبالغه از سؤال، به معنی بسیار پرسشگر است، خود آن حضرت می‌فرماید؛ همانا پروردگارم به من قلبی بسیار عاقل و زبانی بسیار پرسشگر عنایت کرده است (حلی، ۱۴۱۱ق: ص ۵۲). حتی در صحنه جنگ صفین فردی از امام (ع) در مورد توحید

پرسش می‌کند و یاران بر پرسشگر تاخته و می‌گویند: «اکنون چه جای این پرسش است که علی در حال جنگ است؟!» و ایشان می‌فرمایند: «بگذارید بپرسد که جنگ ما نیز بر سر همین است» (صدوق، ۱۳۸۹ق: ص ۸۳؛ به نقل از ابراهیمی و مهرمحمدی، ۱۳۹۳: ص ۸۰۶). احادیث دیگری از امام علی(ع) در غررالحکم وجود دارد که اهمیت و جایگاه پرسشگری را بیشتر آشکار می‌کند. ایشان پرسش را کلید دانایی دانسته و در سخنی مختصر می‌فرمایند: «پرس تا بدانی» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، جلد ۲: حدیث ۲۲۲۱)

پرسش کردن راهی است برای پختگی شخصیت و پرکردن کوله‌بار معرفت. کسی که در مسیر رشد و تکامل خود پرسشگری نکند، به کمالی که شایسته وی است دست نخواهد یافت. به سخن امام علی(ع) «نپرسیدن در کودکی، جهل در بزرگسالی را در پی خواهد داشت» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، جلد ۱: ص ۳۷۴، حدیث ۱۴۲۶). پرسشگری آداب و شرایطی دارد. در صورت رعایت ضوابط و آداب آن، امر بسیار مطلوب و پسندیده‌ای است که می‌تواند دریچه‌ای از علم و دانش را به روی انسان بگشاید و گره‌هایی را در زندگی‌اش باز کند. آنچه در مورد پرسش نیکو بیان شده بدین قرار است که، چنانچه یک مدرس بخواهد از روش پرسش و پاسخ برای رشد عقلانی دانشجویان خویش استفاده کند در وهله اول باید توجه داشته باشد که سؤال مطرح شده واضح، هدف‌دار، مختصر و متناسب با ویژگی‌های مخاطبان وی باشد. جواب سؤال نیز محدود به کلمه بله و خیر یا یک جمله کوتاه نباشد. هم‌چنین سؤال در سطحی فراتر از محفوظات دانشجو مطرح شود. بنابراین چنانچه ملاحظه می‌شود طراحی سؤال هنری است که مدرسان برای کسب آن باید آموزش ببینند و تمرین کنند (دهقان سرخ آبادی و کرامتی، ۱۳۹۶: ص ۴۹). پرسش نیکو دارای اهمیت بسیار است، خوب سؤال کردن به اندازه‌ای اهمیت دارد که به‌عنوان نصف علم تلقی شده است، چنانچه حضرت علی(علیه السلام) فرمود: «حسن المسأله نصف العلم؛» «خوب سؤال کردن نیمی از دانش است» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۴: ص ۳۳۱). و نیز فرمود: «من احسن السؤل عِلْم، من عِلْم احسن السؤل؛» «آن کس که خوب بپرسد، دانا می‌شود و کسی که دانا باشد، خوب سؤال می‌کند» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۴: ص ۳۳۲)

آن که در کودکی بپرسد، در بزرگی پاسخ خواهد داد (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵: حدیث ۸۲۷۳). این گفتار امام علی(ع) در واقع مظهر تأییدی است بر اهمیت پرورش روحیه گفتگو و پرسشگری

در دوران کودکی و دلیلی است بر فراهم کردن محیط مناسب برای پرورش و شکوفایی این ویژگی در کودکان در اهمیت پرسشگری نزد امام علی (ع) همین بس که ایشان حق پرسشگری را به عنوان حق طبیعی انسان در نظر می گیرند. ایشان در پاسخ به پرسش بی موقع فردی از قبیله بنی اسد می فرمایند: «تو حق پرسش داری» (دستی، ۱۳۹۵: خطبه ۶۲). گفتگو براساس منطق و عقلانیت به دور از تعصبات فکری و عقیدتی بین علمای مسلمان و فرهیختگان فرق اسلامی از ضرورت های امروز جهان اسلام است (عارفی میناآباد، ۱۳۹۴). و علاوه بر گفتگو اندیشه ورزی و پرسشگری مستلزم گشودگی فکری است. گادامر^۱ (۱۹۹۴) می گوید: «جوهر پرسش، گشودگی نسبت به امکان ها و حفظ این گشودگی است» (گادامر، ۱۹۹۴: ص ۲۲۹).

با توجه به مطالب مطرح شده پیشرفت تکنولوژی نقش مؤثری در کمرنگ کردن روابط کلامی داشته است که نتیجه آن سرد شدن روابط افراد، تزلزل بنیان خانواده جامعه و روابط جهانی است. از این رو ضروری است دلالت های تربیتی گفتگو و پرسشگری از دیدگاه امام علی (ع) به عنوان استاد سخن که اصول این دو مؤلفه را می داند، تشکیل حکومت داده و در موقعیت های مختلف به گفتگو و پرسشگری پرداخته است بررسی شود. هر پژوهشی در زمینه های مربوط به نهادهای مرتبط با زندگی مردم در قلمرو اسلام از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. مخصوصاً نهادهایی که به طور مستقیم با مردم و روابط آنها سرو کار دارند. موضوع «گفتگو و پرسشگری» از اهمیت و ضرورت ویژه ای برخوردار است؛ اختصاص یافتن بخشی از آموزه های امام علی (ع) و اهتمام علما و دانشمندان، بیانگر اهمیت این بحث است. وانگهی احتیاج و نیاز مبرمی این روزها برای تبیین و اجرای آن در جامعه احساس می شود. از این رو لازم است با بررسی و جستجوی جامع و دقیق، ابتدا این مسئله، به حق و با آنچه در خلال راهبردهای امام علی (ع) آمده، شناخته و تبیین شود تا در آینده بر پایه آن بتوان به راه های نهادینه کردن و گسترش این فضیلت در قلمروهای مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی و... پرداخت. در این راستا با توجه به مطالب بیان شده پرورش پرسشگری به معنای فرصت دادن برای اندیشیدن است. فراهم شدن چنین فرصتی، صبوری و خویشن داری را اقتضاء می کند. علاوه بر این گفتگو پدیده دیرپای

¹ Gadamer

انسانی است که بر پایه ماهیت معرفت شناختی خود، انگاره‌های دینی و نظریه‌های گوناگونی را به خود اختصاص داده و در سیره تربیتی امامان جایگاه ویژه داشته و سپس متناسب با دیدگاه اندیشه‌گران به انسان و جایگاه او در ساخت واقعیت، تحول یافته است. اگر آنچه وظیفه اصلی انبیاست، تربیت انسان برای ترقی و تکامل و رسیدن به آن هدف نهایی است؛ همان هدفی که انسان برای آن آفریده شده است، پس از انبیا، اوصیای اسلام، ائمه اطهار علیهم السلام همین هدف را دنبال می‌کردند. بعد از آنان یعنی در درجه متأخرتری، علما و تربیت‌یافتگان مکتب اهل بیت این وظیفه را عهده‌دار هستند. با عنایت به مطالب مقدماتی پژوهش حاضر سعی دارد به این مسئله پاسخ دهد گفتگو و پرسشگری در آموزه‌های امام علی (ع) چه معنا و مفهوم و جایگاهی دارد؟

مبانی نظری تحقیق

گفتگو

گفتگو در اصطلاح یعنی هر شکل از نشست یا ارتباط بین اشخاص، گروه‌ها یا جوامع برای رسیدن به فهم بیشتر حقیقت با جهت رفع سوءظن یا روابط انسانی بیشتر، که در آن احترام متقابل رعایت گردد. گفتگو مستلزم انفتاح و آزاداندیشی است؛ زیرا گفتگو با دیگری به معنی هم‌اندیشی با او و بیرون آمدن از قلمرو تنها اندیشیدن است؛ قلمروی که تنها حاوی مایه‌های شخصیت فرد و فاقد مایه‌های شخصیتی کسان دیگری است که چه بسا از لحاظ سرشت و خصوصیات با او همسان نیستند. از این رو هم‌اندیشی انسانی با دیگری، با صدایی قابل شنیدن را گفتگو می‌نامیم. گفتگو یعنی فرایند اندیشیدن مشترک که گاه با تبیین و گستراندن اندیشه و گاه به‌منظور تعمیق و ریشه‌دار کردن آن است (فضل الله، ۱۳۷۹: ص ۱۰). فرایند گفتگو، نوعی مبادله و مباحثه در باب اندیشه‌ها، و هم‌چنین نوعی مبادله اطلاعات به صورت شفاهی یا نوشتاری بین دو یا بین چند نفر درباره یک موضوع محسوب می‌شود. آفرینش معنا در پرتو گفتگو حاصل می‌شود. بدون مکالمه نمی‌توان انتظار شنیدن و هم‌رأیی داشت. اساساً گفتگو راهی برای فهمیدن است. گفتگو نشان‌دهنده نوعی جریان معنا، میان شماری از افراد است. از رهگذر این جریان معنا، نوعی فهم و درک نو که در آغاز گفتگو وجود نداشته، پدیدار می‌شود. (پایا، ۱۳۸۱: ۶۶)

پرسشگری

پرسش نوعی کنش گفتار و مهم‌ترین شکل تعامل انسانی است که مستقیم یا غیرمستقیم ارتباطی بر مبنای پرسش و پاسخ پی‌ریزی می‌کند (هارجی و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۰۲). بنابراین می‌توان پرسش را یک تعامل اجتماعی دانست که به دنبال مطالبه اطلاعات یا انجام کاری است. (نیازی و گودرزی، ۱۳۹۶: ص ۲۱۲) سؤال یا پرسش، عبارتی زبانی با مضمون درخواست اطلاعات است. پرسشگری از جمله مهارت‌های مؤثری است که راه به پاسخ و یقین می‌برد و نهادینه کردن این رسم نیکو، به معنای دست‌گیری مخاطبان برای رسیدن به سر منزل مقصود در جاده تعلیم و تربیت است. پرسش برای رشد، پیشرفت و تحول است. این تحول، متحول شدن ذهن فردی و ذهن اجتماعی است. ما برای این پرسش می‌کنیم که اوضاع بهتر و گزینه‌های احتمالی قوی‌تر و بهتر را کشف کنیم و قرار است به زندگانی، اوضاع و وضعیت سنجدیده شده تری برسیم. برخی صاحب‌نظران، تفکر انتقادی را شامل چهار مؤلفه می‌دانند که عبارتند از: پرسشگری، اطلاعات، ارزیابی و نتیجه‌گیری. آن‌ها پرسشگری را عبارت از پرسیدن سؤال مناسب از خود و دیگران برای فهمیدن دقیق‌تر مطلب یا مسئله مطرح شده می‌دانند. (گنجی و همکاران، ۱۳۹۲) پرسیدن، یکی از عوامل موفقیت در آموختن است. در زندگی، پرسش‌های فراوانی برای انسان پیش می‌آید. هنگام آموختن نیز ممکن است که ابهام‌هایی برای او به وجود آید و راه برطرف ساختن آن‌ها، پرسیدن است. بدون پرسش، راهی برای دست‌یافتن به دانش و تبدیل جهل با دانایی، وجود ندارد.

امام علی(ع): «سؤال کن آنچه را که باید بدانی و در ندانستش معذور نیستی.» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۲۸۴). هم‌چنین حضرت علی علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرماید: «القلوب أفعال و مفاتحها السؤال» (تمیمی الآمدی، ۱۴۱۳: ص ۶۰) «قلب‌ها بسته شده و کلید آن سؤال است». یا در جای دیگر ایشان فرموده: «العلم خزائن و مفاتحها السؤال» (نعمه و کراجکی، ۱۳۸۳، ج ۲: ص ۱۰۷) «علم خزینه‌ای است که کلید آن سؤال است.»

پیشینه تحقیق

- لاله‌زاده و بهمنی (۱۳۹۸) در مقاله خود به بررسی اخلاق و تربیت از دیدگاه امیرالمومنین علی (ع) پرداختند در این تحقیق آمده است سخنان امام علی سرشار از نکته‌های تربیتی است که همواره مورد توجه اندیشمندان تعلیم و تربیت بوده است. روش تربیتی ایشان دارای اصول زیربنایی است که بدون در نظر گرفتن آن‌ها نمی‌توان به هدف والای حضرت دست یافت.
- سارلی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود به بررسی اصول، اهداف و روش‌های تربیت از دیدگاه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه پرداختند. در این تحقیق بیان شده تربیت فرزند از بنیادی‌ترین مسائل تربیتی شمرده می‌شود، و سنگ‌زیرین تربیت‌های بعدی است، به همین جهت در دین مقدس اسلام، سخنان معصومین، مخصوصاً امیرمومنان علی (ع) سخت بر این امر تکیه و تأکید شده است.
- هادی به و همکاران (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود به فرهنگ گفتگو در خانواده از منظر آیات و روایات با تأکید بر نهج‌البلاغه، چنین بیان می‌کنند که، گفتگو عنصری حیاتی در استحکام خانواده است، ارتباط کلامی و فهم متقابل با یکی از کلی‌ترین پدیده‌های اجتماعی یعنی «فرهنگ» مرتبط است. تقویت «فرهنگ گفتگو در خانواده» مستلزم شناخت اصول، آداب، آسیب‌ها و موانع گفتگوست.
- صادق زاده قمصری و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان «گفتگوی تربیتی و اصول و روش‌های آن؛ واکاوی گفتگوهای تربیتی قرآن» به مسائلی از قبیل: تعریف گفتگو، و گفتگوهای تربیتی در قرآن پرداخته‌اند. نتایج مقاله نشان داد روش‌های گفتگو در قرآن شامل این اصول می‌باشد:
 - الف) اصل رویارویی استدلال و منطقی.
 - ب) اصل ارتقای سطح معرفتی.
 - ج) اصل ایجاد مشارکت.
 - د) اصل توجه به انگیزه.

ه) اصل رویارویی واقع بینانه.

و) اصل به کارگیری انگیزه صیانت از نفس.

ز) اصل یادآوری (تذکار).

■ ابراهیمی و مهرمحمدی (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان «پرسشگری در اسلام: در جستجوی نظریه‌های برای تربیت» که به هشت بخش تقسیم شده است به مسائلی از قبیل: جایگاه و اهمیت پرسشگری در آموزه‌های اسلامی، کیفیت و آداب پرسشگری در آموزه‌های اسلامی، موضوعاتی که پرسش از آن‌ها منع شده، پرسشگری در نحل‌های اسلامی، دینداری و پرسشگری، اهمیت پرسشگری در تربیت، نظریه تربیتی پرسش محور است. نویسندگان در قسمت پیشنهادات به شش مورد اشاره کرده‌اند که بسیار قابل توجه است و آن شش مورد عبارتند از:

✓ ارج گذاری به فطرت جستجوگر دانش آموزان،

✓ فراهم آوردن محیطی امن و آزاد برای پرسشگران،

✓ ایجاد فرصت برای طرح پرسش،

✓ گفت و شنود به جای تک گویی،

✓ پرهیز از روش‌های جزم گرایانه، و

✓ پرهیز از روش‌های تلقینی در تربیت.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به دنبال بررسی جایگاه و مفهوم گفتگو و پرسشگری در آموزه‌های حضرت علی (ع) است که با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته است. این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید. تحقیقات توصیفی در بُعد بنیادی به کشف حقایق و واقعیت‌های جهان خلقت می‌انجامد (رضوانی، ۱۳۹۲: ص ۴۳). حوزه پژوهش شامل کتب (نهج البلاغه، تحف العقول، میزان الحکمه و غررالحکم) می‌باشد که به روش هدفمند نمونه‌گیری شدند. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌های محقق ساخته

بود. در این تحقیق ابتدا داده‌های موردنیاز از بررسی کتب استخراج شد. سپس تجزیه و تحلیل داده‌ها با کدگذاری موضوعی شامل سه مرحله (کدگذاری باز، محوری و گزینشی) و با استفاده از نظام مقوله‌بندی قیاسی انجام شد.

سؤالات تحقیق

سؤالات تحقیق حاضر عبارت است از:

۱. معانی گفتگو در آموزه‌های امام علی (ع) چیست؟
۲. معانی پرسشگری در آموزه‌های امام علی (ع) چیست؟
۳. انواع گفتگو در آموزه‌های امام علی (ع) چیست؟
۴. انواع پرسشگری در آموزه‌های امام علی (ع) چیست؟

یافته‌ها

عبارات مرتبط با معانی و انواع گفتگو و پرسشگری از منابع مورد نظر استخراج و به صورت کدگذاری آزاد آورده شده است.

جدول ۱: مفاهیم مستخرج از جایگاه و مفهوم گفتگو و پرسشگری در آموزه‌های امام علی (ع)

منبع	عبارات استخراج شده	کد مفاهیم استخراج شده
نهج البلاغه	وَقَالَ (عليه السلام) لِسَائِلٍ سَأَلَهُ عَنْ مَعْضِلَةٍ: سَلْ تَفْقَهْ، وَلَا تَسْأَلْ تَعْتَبْ؛ فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهٌ بِالْعَالِمِ، وَإِنَّ الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ شَبِيهٌ بِالْجَاهِلِ الْمُتَعَنَّتِ. درود خدا بر او، فرمود: (شخصی مسئله پیچیده ای سؤال کرد، فرمود) برای فهمیدن بپرس، نه برای آزار دادن، که نادان آموزش گیرنده، همانند داناست، و همانا دانای بی انصاف چون نادان بهانه‌جو است (حکمت ۳۲۰).	۱. پرسش برای فهمیدن ۲. عدم پرسش برای آزار دادن ۳. انصاف در سؤال کردن ۴. روش صحیح پرسیدن
نهج البلاغه	وَقَالَ (عليه السلام): لَا تَسْأَلْ عَمَّا لَا يَكُونُ، فَبِئْسَ الَّذِي قَدْ كَانَ لَكَ شُعْلٌ و درود خدا بر او، فرمود: از آنچه پدید نیامده نپرس، که آنچه پدید آمده برای سرگرمی تو کافی است (حکمت ۳۶۴).	۵. پرسش از دانسته‌ها ۶. روش صحیح پرسیدن ۷. جایگاه پرسیدن
نهج البلاغه	لَا تُنْتَفِعُ بِمَا عَلِمْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا جَهِلْنَا وَلَا تَتَخَوَّفُ قَارِعَةً حَتَّى تَحُلَّ بِنَا. از آنچه آموخته‌ایم، بهره نمی‌گیریم و از آنچه نمی‌دانیم نمی‌پرسیم. از حوادث باک نداریم تا آن گاه که ما را در خود فرو گیرد (خطبه ۳۲).	۸. عدم بهره‌گیری از آموخته‌ها ۹. عدم پرسش از نادانسته‌ها ۱۰. فرو رفتن جهل و نادانی
نهج البلاغه	فَأَسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَسْأَلُونِي عُنْشِيءَ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ السَّاعَةِ، وَلَا عَنْ فِتْنَةٍ تَهْدِي مَائِنَهُ وَ تُضِلُّ مَائِنَهَا إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِنَاعِقِهَا وَ قَائِدِهَا وَ سَائِقِهَا، وَ مُنَاحِ رِكَابِهَا وَ مَحْطِّ رِحَالِهَا، وَ مَنْ يُقْتَلُ مِنْ أَهْلِهَا قِتْلًا، وَ مَنْ يَمُوتُ مِنْهُمْ مَوْتًا. وَلَوْ قَدْ فَقَدْتُمُونِي وَ نَزَلَتْ بِكُمْ كِرَائَةُ الْأُمُورِ وَ حَوَازِبُ الْخُطُوبِ لِأَطْرَقَ كَثِيرٌ مِنَ السَّائِلِينَ، وَ فَشِيلَ كَثِيرٌ مِنَ الْمَسْئُولِينَ.	۱۱. پرسش به موقع ۱۲. خاموش شدن پرسش‌کنندگان ۱۳. فرو ماندن در جواب دادن به پرسش ۱۴. سخن حکمت‌آمیز ۱۵. دانش سودمندتر از سکوت

منبع	عبارات استخراج شده	کد مفاهیم استخراج شده
	پیش از آنکه مرا نیابید از من پرسید، به خدایی که جانم در دست قدرت اوست از آنچه که از امروز تا قیامت رخ خواهد داد و نیز در باره گروهی که صد نفر را هدایت کند و صد نفر را به گمراهی برد از من نخواهید پرسید مگر اینکه شما را از دعوت‌کننده و جای فرود آمدن مرکب‌ها و آن که از اهل آن‌ها کشته می‌شود، و آن که به مرگ طبیعی می‌میرد خبر خواهم داد. و اگر مرا از دست بدهید و آن گاه حوادث ناگوار و مشکلات طاقت فرسا بر شما فرود آید، بسیاری از پرسش‌کنندگان سر فرود آورند و جمع زیادی از پرسش‌شوندگان از جواب فرو مانند (خطبه ۹۲).	
نهج البلاغه	و من خطبه له (ع) فی النهی عن سماع الغیبه و فی الفرق بین الحقّ و الباطل. که در آن از شنیدن غیبت نهی کرده و به راه شناخت حق از باطل اشاره نموده است. (خطبه ۱۴۱).	۱۶. عدم غیبت و گناه در پرسش ۱۷. شناخت راه حق
نهج البلاغه	و سئل عن الإیمان فقال: الإیمانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ، وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ. از امام علیه السلام درباره تفسیر ایمان سؤال شد، فرمود: ایمان شناخت با قلب (عقل)، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح است (حکمت ۲۱۸).	۱۸. شناخت ایمان با عقل و قلب ۱۹. اقرار به ایمان
نهج البلاغه	لَا تَكْفُرُوا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقٍّ، أَوْ مَشُورَةٍ بِعَدْلِ؛ فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفُوقٍ أَنْ أُخْطِئَ، وَ لَا أَمِنْ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي، إِلَّا أَنْ يَكْفِيَنِي اللَّهُ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي. از گفتن سخن حق، یا مشورت دادن عادلانه، خودداری نکنید؛ زیرا من خود را بالاتر از این که خطا کنم نمی‌دانم و از اشتباه‌کاری ایمن نیستم، مگر این که خدای بزرگ مرا حفظ کند که اختیاردار هموست (خطبه ۲۱۶).	۲۰. گفتن سخن حق ۲۱. مشورت عادلانه ۲۲. عدم دوری از خطا و اشتباه
نهج البلاغه	وَ قَالَ صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ وَ الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ وَ الْإِحْتِمَالُ قَبْرُ الْعُيُوبِ پرسیدن وسیله‌ای برای پوشاندن عیب‌هاست (حکمت ۶).	۲۳. پرسش وسیله پوشاندن عیوب ۲۴. رازداری

نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی

منبع	عبارات استخراج شده	کد مفاهیم استخراج شده
نهج البلاغه	وَقَالَ (عليه السلام): تَكَلَّمُوا تَعْرِفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. سخن گوئید تا شناخته شوید که آدمی زیر زبانش نهان است (حکمت ۳۹۲).	۲۵. شناختن انسان با سخن گفتن ۲۶. پنهان بودن انسان زیر زبانش
نهج البلاغه	وَقَالَ (عليه السلام): الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. درود خدا بر او، فرمود: انسان زیر زبان خود پنهان است (حکمت ۱۴۸).	۲۷. شناخت افراد از روی گفتار ۲۸. نقش سخن در شناخت انسان
نهج البلاغه	سَأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي؛ فَلَا تَأْتُوا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ. از من بپرسید پیش از آن که از دستم دهید؛ زیرا من به راه‌های آسمان، داناتر از راه‌های زمینم (خطبه ۱۸۹).	۲۹. پرسیدن به موقع ۳۰. پرسیدن از دانایان ۳۱. آگاهی ژرف
نهج البلاغه	فَأَسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي. بنابراین پیش از آن که مرا از دست بدهید، هر چه می‌خواهید از من بپرسید! (خطبه ۹۳).	۳۲. تأکید بر پرسش و رفع سؤالات ۳۳. پرسش قبل از فقدان فرصت
نهج البلاغه	وَلَيْسَ كُلُّ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ كَانَ يَسْأَلُهُ وَ يَسْتَفْهِمُهُ حَتَّىٰ إِنْ كَانُوا لِيَجِبُونَ أَنْ يَجِيءَ الْأَعْرَابِيُّ وَالطَّارِئُ فَيَسْأَلُهُ حَتَّىٰ يَسْمَعُوا، وَكَانَ لَا يَمُرُّ بِى مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ إِلَّا سَأَلْتُهُ عَنْهُ وَ حَفِظْتُهُ. همه یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنان نبودند که از او چیزی بپرسند و معنای واقعی آن را درخواست کنند تا آنجا که عده‌ای دوست داشتند عربی بیابانی یا سؤال کننده‌ای از آن حضرت چیزی بپرسد و آن‌ها پاسخ آن را بشنوند، اما من هر چه از خاطر من می‌گذشت می‌پرسیدم، و حفظ می‌کردم (آخر خطبه ۲۱۰).	۳۴. عدم پرسش همه افراد ۳۵. تمایل برای پرسش توسط دیگران ۳۶. از دست دادن فرصت‌ها برای پرسش ۳۷. پرسش به موقع ۳۸. حفظ کردن پاسخ سؤالات
نهج البلاغه	لَا خَيْرَ فِي الصُّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ. ای مردم آن که سخنش حکمت‌آمیز است، خاموشی‌اش سود ندارد. (حکمت ۱۸۲)	۳۹. سخن حکمت‌آمیز ۴۰. سکوت بیجا
تحف العقول	دانش گنجینه‌هایی است و کلیدهای آن‌ها پرسش است؛ پس، رحمت خدا بر شما، بپرسید که بر اثر آن چهار نفر پاداش می‌یابند: پرسنده، گوینده، شنونده و دوستدار آنان (ص ۴۱).	۴۱. پرسش کلید گنجینه دانش ۴۲. پاداش به وسیله پرسیدن ۴۳. پاداش برای پرسنده ۴۴. پاداش برای گوینده

منبع	عبارات استخراج شده	کد مفاهیم استخراج شده
		۴۵. پاداش برای شنونده ۴۶. پاداش برای دوستداران
تحف العقول	آفرین، آفرین بر دانشمندی که اهل کنش و کوشش باشد و از شیبخون مرگ بهراسد و در حال آماده باش به سر برد و مهیا گردد. اگرش پرسد اندرز دهد و اگرش وانهند سکوت اختیار نماید (ج ۱، ص ۱۴۷).	۴۷. پاسخ اندرزگونه ۴۸. سکوت در نبود سؤال
تحف العقول	امام می‌فرماید: «... همه یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله چنان نبودند که از او چیزی بی‌رسند و دانستن معنی آن را بخواهند و اگر هم می‌پرسند، بفهمند. بودند اصحابی که اگر سؤالی داشتند، منتظر می‌ماندند تا کسی (اعرابی و یا ... بیاید و از پیامبر بپرسد ... (ج ۲، ص ۱۹۳).	۴۹. عدم سؤال توسط همه یاران ۵۰. عدم فهم پاسخ پرسش‌ها ۵۱. انتظار برای پرسش سؤال توسط دیگران ۵۲. اهل فهم
تحف العقول	علم به آموختن، آموختن به عقل صورت پذیرد، و علم جز از عالم ربانی نتراود و عالم را با عقل توان شناخت (ص ۶۱۸).	۵۳. علم به آموختن ۵۴. آموختن با عقل ۵۵. علم داشتن عالم ۵۶. شناخت عالم با عقل ۵۷. دور شدن از نادانی
تحف العقول	ای مردم آن که سخنش حکمت‌آمیز است خاموشی‌ش سود ندارد (ص ۳۳۱).	۵۸. سخن حکمت‌آمیز ۵۹. دانش سودمندتر از سکوت
تحف العقول	وصف دنیا برای تقوایشگان توسط امیرالمؤمنین علی علیه السلام، جابر بن عبد الله انصاری گوید: ما در بصره همراه امیرالمؤمنین (ع) بودیم. چون از نبرد مخالفان خود آسوده شد در اواخر شب به ما سرکشی کرد و فرمود: در چه موردی گفتگو می‌کنید؟ عرض کردیم: در نکوهش دنیا. حضرت فرمود: چه چیز دنیا را مورد نکوهش قرار داده‌اید؟ آنگاه خدا را سپاس گفت و به ستایش او پرداخت و فرمود: اما بعد، چرا گروهی از مردم به نکوهش دنیا می‌پردازند؟ و با زهدنمایی خود را بی‌رغبت به آن نشان می‌دهند؟ دنیا برای کسی که آن را راستگو انگارد، سرای راستی است و برای کسی که حقیقت آن را دریابد، خانه عافیت است و برای کسی که	۶۰. آموزش با سؤال کردن ۶۱. پرسش عمیق و ریشه‌ای ۶۲. پرسش از علت و چرایی‌ها ۶۳. آوردن شواهد و دلایل ۶۴. اخذ پاسخ از سؤالات درست

منبع	عبارات استخراج شده	کد مفاهیم استخراج شده
	از آن توشه اندوخت، سرای توانگری است. دنیا سجده‌گاه پیامبران خدا و فرودگاه وحی خدا و ... پس ای جابر، چه کسی دنیا را نکوهش می‌کند؟... دنیا کی نزد تو شایسته نکوهش است؟ (ص ۱۵۲)	
تحف العقول	أَيُّهَا النَّاسُ، فِي الْإِنْسَانِ عَشْرُ خِصَالٍ يُظْهِرُهَا لِسَانُهُ: شَاهِدٌ يُخْبِرُ عَنِ الضَّمِيرِ، حَاكِمٌ يُفْضِلُ بَيْنَ الْخَطَابِ، وَ نَاطِقٌ يُرَدُّ بِهِ الْجَوَابُ، وَ شَافِعٌ يُدْرِكُ بِهِ الْحَاجَةَ، وَ وَاصِفٌ يُعْرِفُ بِهِ الْأَشْيَاءَ، وَ أَمِيرٌ يَأْمُرُ بِالْحَسَنِ، وَ وَاعِظٌ يُنْهَى عَنِ الْقَبِيحِ، وَ مُعَزٌّ تَسْكُنُ بِهِ الْأَحْزَانُ، وَ حَاضِرٌ تُجَلَّى بِهِ الضَّعَائِنُ، وَ مُوْنِقٌ تَلْتَدُّ بِهِ الْأَسْمَاعُ. ای مردم: در انسان ۱۰ خصلت وجود دارد که زبان او آن‌ها را آشکار می‌سازد: ۱. زبان گواهی است که از درون خبر می‌دهد. ۲. داوری است که به دعوای خاتمه می‌دهد. ۳. گویایی است که به وسیله آن به پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود. ۴. واسطه‌ای است که با آن مشکل برطرف می‌شود. ۵. وصف‌کننده‌ای است که با آن اشیاء شناخته می‌شود. ۶. فرماندهی است که به نیکی فرمان می‌دهد. ۷. اندرزگویی است که از زشتی باز می‌دارد. ۸. تسلیت‌دهنده‌ای است که غم‌ها به آن تسکین می‌یابد. ۹. حاضری است که به وسیله آن کینه‌ها برطرف می‌شود. ۱۰. دلربایی است که گوش‌ها به وسیله آن لذت می‌برند (ص ۸۹).	۶۵. گواهی درون ۶۶. قضاوت میان مردم ۶۷. شافع جهت رفع حاجت ۶۸. ستایشگر جهت شناختن ۶۹. فرماندهی برای فرمان دادن ۷۰. پند گو جهت بازداری از زشتی‌ها ۷۱. آرامش دادن برای غم‌ها ۷۲. وسیله‌ای برای برطرف نمودن کینه‌ها ۷۳. لذت بردن از شنیدن
تحف العقول	يَا مَالِكُ إِخْفِظْ عَنِّي هَذَا الْكَلَامَ وَ عِيَّ يَا مَالِكُ بَخْسِ مَرُوتَهُ مَنْ ضَعُفَ يَقِينُهُ وَ أَرْزَى بِنَفْسِهِ مَنْ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعِ وَ رَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ عَن ضُرِّهِ وَ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مَنْ أَطْلَعَ عَلَى سِرِّهِ وَ أَهْلَكَهَا امیرالمومنین علیه السلام به مالک اشتر، فرمود: ای مالک این سخن را از من بشنو و به خاطر بسپار. ای مالک، جوانمردی آن کس که یقینش آسیب‌پذیر است، کم‌ارزش است. و هر که طمع به خود راه دهد خویشتن را خوار گرداند. و هر که سختی حال مشکلات	۷۴. شنیدن و به خاطر سپردن ۷۵. ندادن اختیار خود به دست زبان

منبع	عبارات استخراج شده	کد مفاهیم استخراج شده
	زندگی خود را به دیگران بازگو نماید تن به ذلت داده است. هر که دیگران را از راز خود آگاه ساخته، خود را نزد خویشتن پست نموده است. هر که اختیار خود را به دست زیانش بسپارد خود را هلاک ساخته است (ص ۲۰۱).	
غررالحکم	امیرالمومنین إِحْبِسْ لِسَانَكَ قَبْلَ أَنْ يَطِيلَ حَيْسَكَ وَ يَرِدَى نَفْسَكَ فَلَا شَيْءَ أَوْلَى بِطُولِ سَجْنٍ مِنْ لِسَانٍ يَعْدِلُ عَنِ الصَّوَابِ وَ يَتَسَرَّعُ إِلَى الْجَوَابِ؛ پیش از آن که زبانت تو را به زندان طولانی و هلاکت درافکنند، او را زندانی کن، زیرا هیچ چیز به اندازه زبانی که از جاده صواب منحرف می شود و به جواب دادن می شتابد، سزاوار زندانی شدن دراز مدت نیست (ص ۲۳۲؛ ح ۲۴۳۷).	۷۶. زندانی کردن زبان ۷۷. حفظ زبان
غررالحکم	قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا شَيْءٌ أَحَقُّ بِطُولِ الْحَبْسِ مِنَ اللِّسَانِ. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هیچ چیزی چون زبان سزاوارتر برای حبس طولانی نیست (ص ۳۵۳).	۷۸. آفات زبان
غررالحکم	الْأَلْفَاظُ قَوْلًا لِبُ الْمَعَانِي سخنها، کالبد معانی هستند (ج ۱، ص ۲۶۵).	۷۹. زبان وسیله سنجش
غررالحکم	الإمام علی (عليه السلام): القلوب أقفال مفتحها السؤال امام علی علیه السلام: دلها، قفل‌هایی هستند که کلیدهای آنها پرسیدن است (۱۴۲۶).	۸۰. پرسیدن کلید قفل دل‌ها ۸۱. پرسش کلید دانایی ۸۲. راه رسیدن به اسرار
غررالحکم	سَلْ عَمَّا لَا بُدَّ لَكَ مِنْ عِلْمِهِ وَلَا تُعْذِرْ فِي جَهْلِهِ. سؤال کن آنچه را که باید بدانی و در ندانستنتش معذور نیستی. (۵۵۹۵)	۸۳. پرسیدن برای دانستن
غررالحکم	مَنْ أَحْسَنَ السُّؤَالَ عِلْمٌ، مَنْ عِلْمٌ أَحْسَنَ السُّؤَالَ هر که خوب سؤال کند، دانا شود؛ هر که دانا باشد، خوب سؤال کند (۷۹۳۳ - ۷۶۷۴).	۸۴. خوب پرسیدن ۸۵. دانایی با پرسیدن
غررالحکم:	قول «لَا أَعْلَمُ»، نِصْفُ الْعِلْمِ گفتن «نمی دانم»، نصف دانش است (۶۷۵۸).	۸۶. نمی دانم نصف دانش
غررالحکم	سَلْ عَمَّا لَا بُدَّ لَكَ مِنْ عِلْمِهِ وَلَا تُعْذِرْ فِي جَهْلِهِ	۸۷. سؤال برای دانستن

نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی

منبع	عبارات استخراج شده	کد مفاهیم استخراج شده
	درباره چیزهایی سؤال کنید که ناچار از دانستن آن‌ها هستید و در صورت جهل به آن‌ها عذرتان پذیرفته نیست (۵۵۹۵).	۸۸. عدم پذیرش جهل در نرسیدن
غورالحکم	إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلْ تَفَقُّهَا وَ لَا تَسْأَلْ تَعَنُّتًا؛ فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهُ بِالْعَالِمِ، وَ إِنَّ الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ شَبِيهُ بِالْجَاهِلِ. هرگاه پرسشی کردی، برای دانا شدن بپرس و به منظور درمانده کردن سؤال نکن؛ زیرا شخص نادانی که در پی آموختن باشد، همچون عالم است و عالمی که در بیراهه قدم بنهد، مانند جاهل است (۴۱۴۷).	۸۹. پرسش برای داناتر شدن ۹۰. عدم پرسش برای درماندگی ۹۱. عالم شدن نادان با پرسیدن ۹۲. به بیراهه رفتن عالم ۹۳. پرسش نیکو
غورالحکم	«وقتی می‌پرسی، مَفْقَهانه بپرس، نه متعنتانه. برای فهمیدن بپرس، نه برای آزار و ایذاء.» (۴۱۴۷)	۹۴. پرسیدن برای فهمیدن ۹۵. کسب معرفت
غورالحکم	بپرس تا بدانی (۲۲۱).	۹۶. دانستن با پرسیدن ۹۷. دانش ورزی
غورالحکم	چیزهایی را که ناچاری بدانی، حتماً بپرس (۳۳۹۵).	۹۸. پرسیدن نادانسته‌ها ۹۹. پرسش هدفمند
غورالحکم	«کسی هم که بداند، خوب سؤال می‌کند.» (۱۶۷۴)	۱۰۰. خوب سؤال کردن ۱۰۱. دانا بودن
غورالحکم	من عذب لسانه کثر إخوانه؛ هر کس شیرین سخن باشد، برادران او فراوان شوند.» (۱۰۲۸)	۱۰۲. شیرین سخن گفتن ۱۰۳. افزایش دوستان با سخن خوب
غورالحکم	من أمسك عن فضول المقال شهدت بعقله الرجال؛ هر کس از گفتن اضافات سخن بپرهیزد، بزرگان به خردورزی‌اش گواهی دهند (۹۴۸).	۱۰۴. پرهیز از سخن اضافه ۱۰۵. تحسین بزرگان به سخن مناسب
میزان الحکمه	عنه (عليه السلام): إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلْ تَفَقُّهَا وَلَا تَسْأَلْ تَعَنُّتًا فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهُ بِالْعَالِمِ، وَإِنَّ الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ شَبِيهُ بِالْجَاهِلِ. امام علی علیه السلام (در پاسخ به مردی که از ایشان سؤال معماگونه فرمود) هرگاه پرسشی کردی، برای دانا شدن بپرس و به منظور درمانده کردن سؤال نکن؛ زیرا شخص نادانی که در پی آموختن باشد، همچون عالم است و عالمی که در بیراهه قدم بنهد،	۱۰۶. پرسش برای دانا شدن ۱۰۷. پرسش نه برای درمانده کردن ۱۰۸. عالم شدن شخص نادان با آموختن ۱۰۹. جاعل شدن عالم با بیراهه

منبع	عبارات استخراج شده	کد مفاهیم استخراج شده
	مانند جاهل است (۸۲۴۲).	رفتن
میزان الحکمه	کنز العمال: ۴۷۴۰ - عنه (علیه السلام): سلونی فوالله لاتسألونی عن شیء یكون إلى یوم القیامة إلا حدثتکم به.. نهج البلاغة: الحکمة ۳۲۰. إلیه ابن کواء فقال: یا امیر المؤمنین! فقام وا الذاریات ذروا؟ فقال: له ویلک سل تفقها، ولا تسأل تعتنا . کنز العمال به نقل از عامر بن وائل: شاهد بودم که علی بن ابی طالب خطبه خواند و در آن فرمود: از من پرسید؛ زیرا به خدا سوگند، درباره هر چیزی تا روز قیامت، از من پرسید، جوابش را به شما می‌دهم ... ابن کواء برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! «الذاریات ذروا» یعنی چه؟ حضرت فرمود: وای بر تو! برای چیز آموختن پرس، برای درمانده کردن پرس (۸۲۴۵).	۱۱۰. پرسش برای رسیدن به جواب ۱۱۱. پرسیدن برای آموختن ۱۱۲. پرسش از عالم
میزان الحکمه	عنه علیه السلام: سَلْ عَمَّا لَا بُدَّ لَكَ مِنْ عِلْمِهِ وَلَا تُعْذِرْ فِي امام علی علیه السلام: سؤال کن آنچه را که باید بدانی و در ندانستنتش معذور نیستی (۸۳۲۸).	۱۱۳. سؤال کردن لازم ۱۱۴. ندانستن عیب
میزان الحکمه	عنه (علیه السلام): الناس مقوصون مدخولون إلا من عصم الله، سائلهم متعنت، ومجيبهم متكلف (۸۲۴۴). امام علی علیه السلام: مردم، کوتاه اندیش و کم خردند، مگر آن کس که خدایش نگه دارد. پرسنده‌شان، به قصد درمانده کردن می‌پرسد و پاسخ‌دهنده‌شان پر ماعاست (الحکمة ۳۴۳).	۱۱۵. خردمندی در پرسش ۱۱۶. بی‌ادعایی در پاسخ

در ادامه مفاهیم هم دسته شده در یک مقوله واحد قرار می‌گیرند که در جدول ۲ آمده است.

معانی و انواع گفتگو و پرسشگری در آموزه‌های امام علی (ع)

جدول ۲: طبقه‌بندی کدواژه‌ها و مفهوم‌سازی (مفاهیم هم‌دسته‌شده)

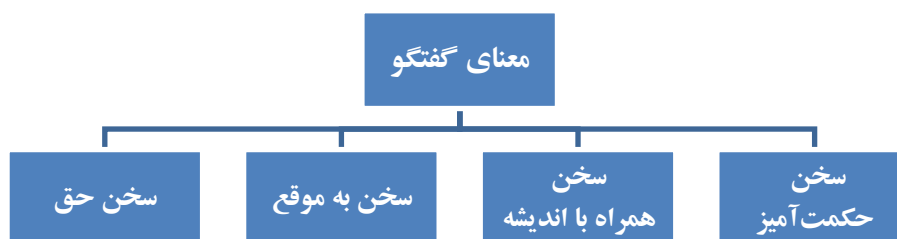
کد مفاهیم جایگزین شده	کدمفاهیم هم دسته (مقوله به دست آمده)
سخن حکمت‌آمیز	۱۴. سخن حکمت‌آمیز ۵۸. سخن حکمت‌آمیز
پرسیدن به موقع	۱۱. پرسش به موقع ۲۹. پرسیدن به موقع ۳۳. پرسش قبل از فقدان فرصت ۳۶. از دست دادن فرصت‌ها برای پرسش ۶۴. اخذ پاسخ از سؤالات درست ۷۴. شنیدن و به خاطر سپردن
پوشاندن عیب‌ها	۹. عدم پرسش از نادانسته‌ها ۲۳. پرسش وسیله پوشاندن عیوب ۲۴. راز داری ۹۰. عدم پرسش برای درماندگی ۱۰۷. پرسش نه برای درمانده کردن
شناخت حق از باطل	۱۶. عدم غیبت و گناه در پرسش ۱۷. شناخت راه حق
سخن به موقع	۲۵. شناختن انسان با سخن گفتن ۲۶. پنهان بودن انسان زیر زینانش ۲۷. شناخت افراد از روی گفتار ۲۸. نقش سخن در شناخت انسان ۶۵. گواهی درون ۷۸. آفات زبان ۷۹. زبان وسیله سنجش
گفتگو با هدف مشخص	۲۱. مشورت عادلانه ۵۹. دانش سودمندتر از سکوت ۶۹. فرماندهی برای فرمان دادن

کد مفاهیم جایگزین شده	کدمفاهیم هم دسته (مقوله به دست آمده)
	۷۳. لذت بردن از شنیدن ۹۵. کسب معرفت
پرسش اکتشافی	۳۲. تأکید بر پرسش و رفع سؤالات ۶۱. پرسش عمیق و ریشه‌ای ۶۲. پرسش از علت و چرایی‌ها ۶۳. آوردن شواهد و دلایل ۸۲. راه رسیدن به اسرار ۱۱۰. پرسش برای رسیدن به جواب
تلاش برای افزودن آگاهی	۴. روش صحیح پرسیدن ۶۰. آموزش با سؤال کردن ۸۴. خوب پرسیدن ۹۳. پرسش نیکو ۱۰۰. خوب سؤال کردن
پرسش هدفمند	۳۰. پرسیدن از دانایان ۳۱. آگاهی ژرف ۷۵. ندادن اختیار خود به دست زبان ۹۹. پرسش هدفمند ۱۰۱. دانا بودن ۱۱۲. پرسش از عالم ۱۱۳. سؤال کردن لازم
پاسخ اندرزگویانه	۴۹. عدم سؤال توسط همه یاران ۵۲. اهل فهم ۱۱۵. خردمندی در پرسش ۱۱۶. بی‌ادعایی در پاسخ
پرسش برای رفع جهالت، نه آزار (دوری از مغالطه)	۲. عدم پرسش برای آزار دادن ۳. انصاف در سؤال کردن ۱۳. فروماندن در جواب دادن به پرسش ۶۶. قضاوت میان مردم

کد مفاهیم جایگزین شده	کدمفاهیم هم دسته (مقوله به دست آمده)
	۸۸. عدم پذیرش جهل در نپرسیدن
دفاع از حقیقت	۱۹. اقرار به ایمان ۲۰. گفتن سخن حق
پرسش نیکو	۳۴. عدم پرسش همه افراد ۳۵. تمایل برای پرسش توسط دیگران ۸۶. نمی دانم نصف دانش
سخن همراه با اندیشه	۱۵. دانش سودمندتر از سکوت ۷۶. حفظ زبان ۷۷. زندانی کردن زبان ۱۰۲. شیرین سخن گفتن ۱۰۳. افزایش دوستان با سخن خوب ۱۰۴. پرهیز از سخن اضافه ۱۰۵. تحسین بزرگان به سخن مناسب
اشتقاق به دانستن (دانایی)	۱. پرسش برای فهمیدن ۴۱. پرسش کلید گنجینه دانش ۵۷. دور شدن از نادانی ۸۱. پرسش کلید دانایی ۸۳. پرسیدن برای دانستن ۸۵. دانایی با پرسیدن ۸۷. سؤال برای دانستن ۸۹. پرسش برای داناتر شدن ۹۱. عالم شدن نادان با پرسیدن ۹۴. پرسیدن برای فهمیدن ۹۶. دانستن با پرسیدن ۹۷. دانش‌ورزی ۱۰۶. پرسش برای دانا شدن
گفتگوی مفاهمه‌ای یا معنامحور	۵۳. علم به آموختن ۵۴. آموختن با عقل

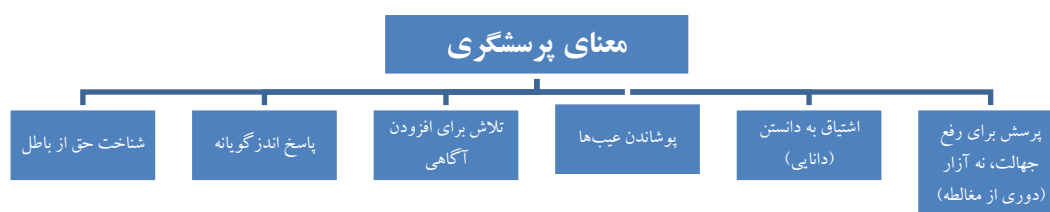
کد مفاهیم جایگزین شده	کدمفاهیم هم دسته (مقوله به دست آمده)
	۶۸. ستایشگرجهت شناختن ۷۰. پند گو جهت بازداری از زشتی‌ها ۷۱. آرامش دادن برای غم‌ها ۷۲. وسیله‌ای برای برطرف نمودن کینه‌ها
سخن حق	۲۰. گفتن سخن حق ۲۲. عدم دوری از خطا و اشتباه

نتیجه حاصل از تحلیل متن جملات استخراج شده در مورد معنای گفتگو در آموزه‌های حضرت علی (ع) (سخن حکمت‌آمیز، سخن همراه با اندیشه، سخن به موقع و سخن حق) است.



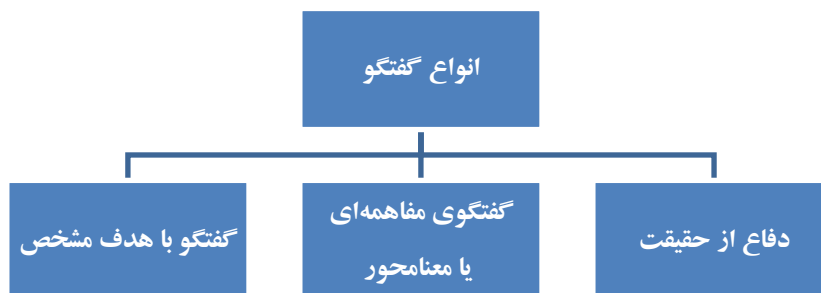
شکل ۱: معنای گفتگو

نتیجه حاصل از تحلیل متن جملات استخراج شده در مورد معنای پرسشگری در آموزه‌های حضرت علی (ع) (پرسش برای رفع جهالت نه آزار «دوری از مغالطه»، اشتیاق به دانستن، پوشاندن عیب‌ها، تلاش برای افزودن آگاهی، پاسخ اندرزگویانه و شناخت حق از باطل) است.



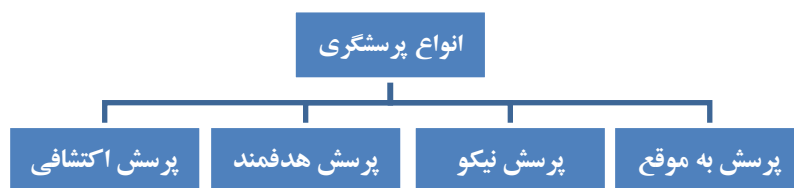
شکل ۲: معنای پرسشگری

نتیجه حاصل از تحلیل متن جملات استخراج شده در مورد انواع در آموزه‌های حضرت علی (ع) دفاع از حقیقت، گفتگوی مفاهمه‌ای (معنامحور)، گفتگو با هدف مشخص است.



شکل ۳: انواع گفتگو

نتیجه حاصل از تحلیل متن جملات استخراج شده در مورد انواع پرسشگری در آموزه‌های حضرت علی (ع) پرسش به موقع، پرسش نیکو، پرسش هدفمند و پرسش اکتشافی است.



شکل ۴: انواع پرسشگری

نتایج حاصل از تحلیل معانی و انواع گفتگو و پرسشگری در آموزه‌های حضرت علی (ع) شامل ۱۷ بُعد است که به ترتیب معانی گفتگو شامل چهار بُعد: سخن حکمت‌آمیز، سخن همراه با اندیشه، سخن به موقع و سخن حق، معانی پرسشگری شامل ۶ بُعد: پرسش برای رفع جهالت نه آزار «دوری از مغالطه»، اشتیاق به دانستن، پوشاندن عیب‌ها، تلاش برای افزودن آگاهی، پاسخ اندرز‌گویانه و شناخت حق از باطل انواع گفتگو شامل سه بُعد: دفاع از حقیقت، گفتگوی مفاهمه‌ای (معنامحور)، گفتگو با هدف مشخص و انواع پرسشگری شامل چهار بُعد: پرسش به موقع، پرسش نیکو، پرسش هدفمند و پرسش اکتشافی است که در شکل‌ها به ترتیب آمده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

همان‌طور که در جداول فوق مشاهده می‌شود، مقوله‌های اصلی تحقیق در مورد مفهوم گفتگو و پرسشگری و انواع در آموزه‌های حضرت علی(ع) احصا شده است که در ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرند:

نتایج حاصل از تحلیل معانی و انواع گفتگو و پرسشگری در آموزه‌های حضرت علی(ع) شامل ۱۷ بُعد است که به ترتیب در زیر بیان شده است. نتایج حاصل از تحلیل معنای گفتگو در آموزه‌های حضرت علی(ع) شامل چهار بُعد: سخن حکمت‌آمیز، سخن همراه با اندیشه، سخن به موقع و سخن حق است. قدرت تفکر و اندیشه یکی از گران‌بهارترین نعمت‌های الهی بوده و شایسته است که انسان قبل از هر کاری در باره پیامدهای آن به خوبی بیندیشد و جوانب نیک و بد آن را درست ارزیابی کند و چنانچه انجام آن را مصلحت دید، اقدام نماید و گرنه از انجام آن چشم‌پوشد. روشن است که سخن گفتن نیز از این قاعده مستثنا نیست. از همین رو امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «زبان خردمند در آن سوی قلب اوست، ولی قلب ابله در آن سوی زبان او» (نهج البلاغه، حکمت ۳۹).

خطبا و سخنوران اسلامی باید در تبلیغ دین حق و نشر معارف قرآن کوشا و جدی باشند و تا جایی که می‌توانند حق را بگویند و از تذکرات مفید و لازم خودداری ننمایند. علی(ع) فرمود: «زبان کارترین مردم کسی است که بتواند حق را بگوید، ولی لب فرو بندد و نگوید» (غررالحکم، ص ۳۳۲). مسلمان، نه تنها حق ندارد آنچه را از حقیقت آن شناختی ندارد، بیان کند، بلکه بسیاری گفتنی‌ها را که از حقیقت آن هم آگاه است، نباید در همه جا بگوید. امام علی(ع) می‌فرماید: «نه فقط آنچه را شناخت نداری، باز گو مکن، بلکه هر چه هم می‌دانی، گفتنی نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۳۸۲). اگر دیگران حق داشته باشند خواسته یا ناخواسته، بر اساس پنداشته‌های خود هر چه می‌خواهند، بگویند، کدورت، درگیری و انحراف در زندگی فردی و اجتماعی، پدیدار می‌شود. گفته‌های نادرست و ناحق و بدون شناخت که بر اساس پندارها و تحلیل‌های جاهلانه باشد، پی‌آمدهای ناگواری دارد. حضرت علی(ع) انسان‌ها را از گفته‌های بدون شناخت و ناحق چنین باز می‌دارد: «بپرهیز از سخن گفتن درباره چیزی که راه آن را نشناسی و حقیقت آن را ندانی؛ زیرا

گفتار تو راهنمای عقل توست، و سخن تو خبر می‌دهد از شناخت تو. پس نگه‌دار درازی زبان خود را از آنچه ایمن هستی و کوتاه کن سخن خود را به آنچه آن را نیکو دانی» (غررالحکم، ص ۳۳۶). همچنین آن حضرت در فرازی دیگر می‌فرماید: «واگذار سخن را درباره آنچه نشناسی و گفت و گو را در جایی که وظیفه آن را نداری» (غررالحکم، ص ۳۳۷).

نتایج حاصل از تحلیل معنای پرسش در آموزه‌های حضرت علی (ع) در ۶ بُعد مشخص شده

است:

- پرسش برای رفع جهالت نه آزار (دوری از مغالطه)،
- اشتیاق به دانستن،
- پوشاندن عیب‌ها،
- تلاش برای افزودن آگاهی،
- پاسخ اندرز‌گویانه و
- شناخت حق از باطل.

امام علی علیه‌السلام، بلکه تأکید ویژه‌ای بر ویژگی‌های پرسشگر و پاسخ‌دهنده دارند. بدین گونه که از نظر ایشان افرادی می‌پرسند که اهل فهم، دانا، فرصت‌شناس و شجاع باشند. آن گونه که می‌فرماید: «از میان یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله، افراد محدودی بودند که سؤال می‌کردند و از میان اقل پرسشگرها، اقلی به دنبال فهم بودند. یا به بیان دقیق‌تر، اندکی بودند که می‌پرسیدند و می‌فهمیدند. اکثریتشان جرئت و توان سؤال نداشتند». امام علی علیه‌السلام در «نهج‌البلاغه»، وقتی می‌خواهد زمانه و عصر بدی و نامطلوب را تصویر کند، آن را به زمانه خالی از سؤال و عصر فاقد پرسش توصیف و تأکید می‌کند: بعضی مواقع سائل و پرسشگر سؤالش را از روی اذیت و آزار می‌پرسد، نه برای فهمیدن و نه برای بیدار کردن، بلکه برای ایدای جامعه می‌پرسد. در اینجا کسی که پاسخ می‌دهد، با تکلف پاسخ می‌دهد. یعنی جواب درست نمی‌دهد و اگر به سؤالات جامعه از طرف علما جواب درست داده نشود، کم‌کم مردم از علما روی‌گردان می‌شوند و به سراغ دیگران می‌روند. اگر چنین شود، برکت از علم می‌رود و عالم مثل کاسبی می‌شود که مالش را به جریان می‌اندازد، ولی برکت از دامنش رفته است. بنابراین پرسش، نقطه شروع و مبدأ جهش فکری است. کسی که نمی‌پرسد و نمی‌داند که باید پرسد، در جهل همیشگی

باقی خواهد ماند. از این روست که نه تنها عقل؛ بلکه نقل نیز ما را به پرسشگری فرا می‌خواند. قرآن کریم نیز نه تنها پرسیدن را رد نمی‌کند، بلکه در چند آیه به صراحت مردم را به آن دعوت می‌نماید. به عنوان نمونه در دو آیه می‌فرماید: دانش گنجینه‌هایی است و کلیدهای آن‌ها پرسش؛ پس رحمت خدا بر شما! پرسید که بر اثر آن چهار نفر پاداش می‌یابند: پرسنده، جواب دهنده، شنونده و دوستدار پرسش (تحف العقول، ص ۴۱).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امام علی(ع)، سؤال بودن ایشان بوده است. سؤال صیغه مبالغه از سؤال، به معنی بسیار پرسشگر است، امام نه تنها پرسیدن را عیب نمی‌داند؛ بلکه به صراحت ما را به پرسشگری دعوت می‌کند: از چیزهایی که ناچاری بدانی، پرس! (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹) روشن است مسائل زیادی وجود دارد که ما باید آن‌ها را بدانیم؛ آن حضرت ما را به خاطر ندانستن معذور نمی‌داند.

نتایج حاصل از تحلیل انواع گفتگو در آموزه‌های حضرت علی(ع) شامل سه بُعد: دفاع از حقیقت، گفتگوی مفاهمه‌ای (معنامحور)، گفتگو با هدف مشخص است. گفتگو انسانی‌ترین، عقلانی‌ترین و اخلاقی‌ترین شیوه ارتباط است و باید با همه وجود برای کاربست آن در بخش‌های مختلف زندگی شخصی و به‌ویژه اجتماعی تلاش کنیم. برای دستیابی به توسعه و اصلاح به‌ویژه در شرایط کنونی ایران و وجود تنگناهای مختلف در داخل به نظر می‌رسد گفتگو می‌تواند به‌عنوان مؤثرترین راهبرد تغییر به کار گرفته شود. از نظر امام علی(ع) سخن حق و حقیقت دارای اهمیت ویژه است. ایشان می‌فرمایند: از سخن گفتن در موردی که راه و چاره آن را نمی‌شناسی و حقیقت آن را نمی‌دانی پرهیز (عُرَر الحِکْم، ص ۹۹۵). بنابراین باید از روی حقیقت، سخن بگوییم.

زبان بُریده به کُنْجی نشسته صُمُّ بکم
به از کسی که زبانش نباشد اندر حُکم

علاوه بر این گفتگوی مفاهمه‌ای (معنامحور) از انواع دیگر گفتگو می‌باشد. منطبق این گفتگو صرفاً فهم همدلانه یعنی فهم از طریق خود را جای دیگری گذاشتن است. یعنی فقط باید سعی کنیم طرف مقابل را بفهمیم و منظور خود را به او بفهمانیم بدون توجه به آنکه با او موافق یا مخالفیم. پس واژگان ما باید صریح و روشن باشد و در صورت ابهام و ابهام برای طرف مقابل با توضیح همراه باشد. علم به آموختن، آموختن به عقل صورت پذیرد، و علم جز از عالم ربانی

نترآود و عالم را با عقل توان شناخت (تحف العقول، ص ۶۱۸) و در جای دیگر آمده است ای مردم: در انسان ۱۰ خصلت وجود دارد که زبان او آن‌ها را آشکار می‌سازد:

۱. زبان گواهی است که از درون خبر می‌دهد.
۲. داوری است که به دعوای خاتمه می‌دهد.
۳. گویایی است که به وسیله آن به پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود.
۴. واسطه‌ای است که با آن مشکل برطرف می‌شود.
۵. وصف‌کننده‌ای است که با آن اشیاء شناخته می‌شود.
۶. فرماندهی است که به نیکی فرمان می‌دهد.
۷. اندرزگویی است که از زشتی باز می‌دارد.
۸. تسلیت‌دهنده‌ای است که غم‌ها به آن تسکین می‌یابد.
۹. حاضری است که به وسیله آن کینه‌ها برطرف می‌شود.
۱۰. دلربایی است که گوش‌ها به وسیله آن لذت می‌برند (تحف العقول، ص ۸۹).

نتایج حاصل از تحلیل انواع پرسشگری در آموزه‌های حضرت علی (ع) شامل چهار بُعد: برای پرسش، شامل پرسش به موقع، پرسش نیکو، پرسش هدفمند و پرسش اکتشافی است. از سوی دیگر، به هر دو مورد کمیت و کیفیت پرسش توجه دارد. یکی از ویژگی‌های آن حضرت بنا به نص روایات ما، «سئوول بودن» است. سئوول صیغه مبالغه از سؤال است به معنی بسیار پرسشگر. امام علی علیه‌السلام بسیار می‌پرسید. علامه طباطبایی نقل می‌کند: اگر سؤالات امام علی (ع) را در یک کفه ترازو بگذاریم و سؤالات تمامی صحابی دیگر را در کفه دیگر ترازو بگذاریم، یک‌تنه سؤالات ایشان از سؤالات دیگر صحابی سنگین‌تر است. مضاف بر اینکه نه فقط امام بیشتر پرسیده، بلکه دقیق‌تر نیز پرسیده است. از این رو نقل‌های امام علی علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله، هم به لحاظ کمیت و هم از حیث کیفیت، چشمگیرتر است. پرسش نیکو دارای اهمیت بسیار است، خوب سؤال کردن به اندازه‌ای اهمیت دارد که به‌عنوان نصف علم تلقی شده است، چنانچه حضرت علی (علیه‌السلام) فرمود: «پرسیدن، یکی از عوامل موفقیت در آموختن است. در زندگی، پرسش‌های فراوانی برای انسان پیش می‌آید. هنگام آموختن نیز ممکن است که ابهام‌هایی برای او

به وجود آید و راه برطرف ساختن آن‌ها، پرسیدن است. بدون پرسش، راهی برای دست یافتن به دانش و تبدیل جهل با دانایی، وجود ندارد.

امام علی(ع): «سؤال کن آنچه را که باید بدانی و در ندانستنتش معذور نیستی» (غررالحکم، ۵۵۹۵).

همچنین حضرت علی علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرماید: «قلبها بسته شده و کلید آن سؤال است» (غررالحکم، ۱۴۲۶). یا در جای دیگر ایشان فرموده‌اند: «دانش گنجینه‌هایی است که کلیدهایش پرسش است، پس برسید- خداوند شما را رحمت کند، زیرا در این پرسش و پاسخ چهار کس اجر و مزد گیرند: پرسشگر، پاسخگو، شنونده و دوستدار آنان» (تحف العقول، ص ۴۱). با توجه به نتایج در پژوهش‌های انجام شده ابراهیمی و مهرمحمدی (۱۳۹۳)، صادق‌زاده قمصری و دیگران (۱۳۹۳)، هادی به و همکاران (۱۳۹۵)، سارلی و همکاران (۱۳۹۶)، لاله‌زاده و بهمنی (۱۳۹۸) در باب گفتگو به فرهنگ گفتگو، آداب مناظره از نگاه قرآن و سنت، گفتگوی تربیتی و اصول و روش‌های آن، آداب سخن در قرآن و روایات و در باب پرسشگری به پرسشگری در اسلام، پرسشگری و پاسخگویی در سیره پیشوایان دینی پرداخته شده و در زمینه معانی و انواع گفتگو و پرسشگری در آموزه‌های امام علی(ع) نیاز است بیشتر بحث و بررسی انجام شود. از آن‌جا که اسلام بیش از هر دینی به گفتگو به‌عنوان اصلی جهت آگاه‌سازی مردم از حقایق هستی و آشنا ساختن آنان با روش تکاملی خود و دستیابی به آیین و روش برتر، پافشاری کرده است. بنابراین علاوه بر آیات و آموزه‌های امامان و ائمه بهترین مرجع و راهنما برای آموختن آداب گفتگو و پرسشگری است. با توجه به نتایج به دست آمده در زمینه بیشترین فراوانی مؤلفه پرسش برای دانستن می‌توان گفت پرسیدن، یکی از عوامل موفقیت در آموختن است. در زندگی، پرسش‌های فراوانی برای انسان پیش می‌آید. هنگام آموختن نیز ممکن است که ابهام‌هایی برای او به وجود آید و راه برطرف ساختن آن‌ها، پرسیدن است. بدون پرسش، راهی برای دست یافتن به دانش و تبدیل جهل با دانایی، وجود ندارد.

نتیجه گیری

پرسشگری در جامعه‌ای شکوفا می‌شود که یک بستر امن و قابل اعتماد اجتماعی و فرهنگی وجود داشته باشد. آزادی و امنیت دو ویژگی اصلی فرهنگی و اجتماعی است که در بروز و ظهور یا نزول پرسشگری نقش اساسی ایفاء می‌کند. در جامعه‌ای که چنین بستر و زمینه‌ای برای طرح پرسش‌ها و شک و تردیدها وجود نداشته باشد پرسش از آن جامعه رخت برمی‌بندد. تا زمانی که افراد نتوانند بدون کم‌ترین هزینه و دغدغه‌ای اندیشه و پرسش‌های خود را مطرح کنند، صحبت از پرسشگری بی‌معنا می‌باشد. بدیهی است یکی از ویژگی‌های پرسش، ساختارشکنی است و به مذاق برخی خوش نخواهد آمد و پرسشگر را به شبهه‌افکنی متهم کرده و محکوم خواهند کرد. بدیهی است در چنین جامعه‌ای پرسشگری پایان خوشی ندارد و لذا افراد بسیار اندکی حاضر خواهند شد مخاطرات پرسشگری را بپذیرند. این نه تنها پرسشگران را از پرسشگری باز می‌دارد، بلکه پاسخ‌دهندگان نیز از پاسخ دادن واقعی به پرسش‌ها هراسان خواهند بود. زیرا بدون امنیت و اعتماد نمی‌توان به پرسش‌های آزاد که از ذهن‌های خلاق می‌جوشد پاسخ داد. پرسشگری از ویژگی‌های دین اسلام بوده است. طوری که پرسشگران با آزادی کامل و بدون هیچ هراسی پرسش‌های خود را بر پیامبر خدا و ائمه عرضه می‌کردند و در پذیرش و عدم پذیرش پاسخ‌ها نیز آزاد بودند. همان‌گونه که پیروان گروهی از یهودیان و مسیحیان پس از مباحثه و دریافت پاسخ پرسش‌های خود، به پیامبر (ص) گفتند که درباره پاسخ‌های ایشان فکر خواهند کرد. آنان پس از سه روز، دوباره نزد پیامبر بازگشتند و با پذیرش استدلال پیامبر وارد دین اسلام شدند (طبرسی، ۱۳۸۰).

از مجموع عبارات به دست آمده از تحلیل جایگاه و مفهوم گفتگو و پرسشگری در آموزه‌های حضرت علی (ع) می‌توان نتیجه گرفت سه دسته اصلی عبارات مهم آموزش و رفع جهالت، پرسشگری بهتر از سکوت و دفاع از حقیقت است که هر یک دارای مؤلفه‌هایی است. و در میان این مؤلفه پرسش برای دانستن دارای بیشترین فراوانی است و با توجه به این اهمیت پرسش آنچه از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) و سیره عملی پیامبر اکرم و ائمه اطهار در این زمینه به دست می‌آید، این است که اسلام از گفتگو استقبال می‌کند. مادامی که دشمن در صدد لجاجت و دشمنی بر نیامده باشد. قرآن کریم به‌عنوان یک دستور تبلیغی در آیات بسیاری به آن

اشاره شده است. به پیامبر فرموده که با نرمی و زیبایی با مردم به گفتگو پردازد. و در آن آیه‌ها با بیانی عام، سخن به میان آورده است؛ که شامل هر گونه بحث با هر شخصیتی یا گروهی که در پی یافتن حقیقت است می‌باشد. و برای بیان اهمیت شیوه گفتگو در آیه زیر این گونه به مؤمنان خطاب شده است: (ولا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي أحسن الا الذين ظلموا منهم) (العنکبوت، آیه ۴۶) (با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آن‌ها که ستم کردند).

اسلام از منطق گفتگو با آغوش باز استقبال می‌کند و دلیل این استقبال هم شاید این باشد که اساساً انسان‌ها در قلمروهای گوناگون معرفتی، یک سلسله یقین‌هایی دارند که باید برای تحقق آن‌ها تلاش مشترکی انجام دهند و درباره مسائلی که مورد اختلاف است، باید سعی داشته باشند که با همکاری، به جواب‌های مطمئن‌تر و یقینی‌تری نایل شوند که یکی از راه‌های بحث و مناظره، گفتگو است (کاظمی و بنی‌نعمه، ۱۳۹۳، ص ۳۰). پرسش، وسیله‌ای است که به کمک آن، سؤالات و ابهامات موجود در ذهن را می‌توان برطرف کرد. نکته قابل تأمل این است که نقش سؤال و پرسشگری آنقدر مهم است که می‌توان انسان را به سرمنزل مقصود برساند و برای شخصی که سؤال مطرح نیست معرفتی هم وجود ندارد. جملات شریف کتاب نهج البلاغه، انسان را به سؤال کردن اموری که نمی‌دانیم تحریک می‌نماید و انگیزه و اشتیاق برای سؤال کردن را در فرد ایجاد می‌کند و این نکته را یادآوری می‌کند؛ با توجه به نامه امیرالمؤمنین به امام حسن «علیه السلام»، نامه ۳۱ نهج البلاغه: «که فرزندم، وقتی حقیقتی برای تو تاریک جلوه کرد، حقیقت را متهم مکن و آن را منحرف مساز، بلکه آن را به جهل خود مستند نما.» در حقیقت این مطلب توصیه‌ای به تمامی جوانان در باب تحقیق و تفحص برای دانستن فلسفه و حکمت امور دینی و... می‌باشد. در میان سخنان امیرالمؤمنین در نهج البلاغه به اینکه چرا باید به دنبال سؤال رفت و انگیزه سؤال اشاره و توصیه‌هایی نمودند: «اینکه ای بندگان خدا به جهالت خود تکیه نکنید، پرسیدن چیزی به قصد فهمیدن باشد، نه جهت آزار دادن دیگری و به چالش کشیدن جلسه...» (دستی، ۱۳۹۵، خطبه ۱۰۵). با توجه به مطالب مطرح شده و نتایج به دست آمده می‌توان گفت: انسان تا در زندگی با پرسش روبه‌رو نشود، هرگز در پی تلاش و حرکت بر نخواهد آمد و اصولاً تمام توفیقات بشر در کشف رازها و قوانین این جهان در عرصه همه دانش‌ها، مادیون پرسش‌هایی بوده که در

مسیر حیات در طول تاریخ فراروی او قرار گرفته است و همیشه کسانی بر تارک اختراعات و دانش‌ها ایستاده بودند که در جست‌وجوی حقایق علمی با پایداری و صبر، تلاش کرده‌اند. و در این میان انسان موردنظر امام علی (ع) هم، یک موجود پرسشگر و جست‌وجوگر حقیقت است.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۷)، *نیایش فیلسوف*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی.
- ابراهیمی، نامدار و مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۳)، *پرسشگری در اسلام: در جستجوی نظریه‌ای برای تربیت. کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.*
- ابراهیمی، نامدار و مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۳)، *پرسشگری در اسلام: در جستجوی نظریه‌ای برای تربیت، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم*، <https://civilica.com/doc/301344>
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۲)، *تحف العقول*. مترجم صادق حسن زاده، قم: ناشر آل علی (ع).
- پایا، علی (۱۳۸۱)، *گفت و گو در جهان واقعی*، تهران: طرح نو.
- ابيض شلمانی، حسین (۱۳۸۰)، *پرسش و پرسشگری در قرآن کریم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- تمیمی الآمدی، عبدالواحد (۱۴۱۳)، *مُعْجَمُ الْفَافِظِ غُرَرِ الْحِكْمِ وَ دُرَرِ الْكَلِمِ*، چاپ اول، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۹۵)،
- غرر الحکم و درر الکلم*. ناشر: موسسه فرهنگی دار الحدیث. نوبت چاپ ۸.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *نسیم اندیشه: پرسش‌ها و پاسخ‌ها از آیت الله جوادی آملی*، قم: انتشارات اسراء.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، *کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین(ع)*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۵۲.
- دشتی، محمد (۱۳۹۵)، *نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علی(ع)*، ناشر: الهادی چاپ ۱۲.
- دهقان سرخ آبادی، محدثه و کرامتی، انسی (۱۳۹۶)، *روش‌های آموزشی در سیره رضوی و دلالت‌های آن برای تربیت عقلانی در دانشگاه فرهنگیان، فرهنگ رضوی*، سال پنجم، شماره ۱۷
- رضوانی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، *روش تحقیق در مدیریت*. مؤسسه کتاب مهریان نشر.
- سارلی، زبیده؛ محمدی، ناصر و مولایی، برزو (۱۳۹۶)، *اصول، اهداف و روش‌های تربیت از دیدگاه امام علی(ع)* در نهج البلاغه. *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، تابستان ۱۳۹۶، شماره ۷(۲۳): ۲۴۷-۲۲۵.

صادق زاده قمصری، علیرضا؛ ابراهیم طلایی، زهرا و صالحی متعهد (۱۳۹۳ش)، گفتگوی تربیتی و اصول و روش‌های آن؛ واکاوی گفتگوهای تربیتی قرآن، تهران: مجله پژوهش در مسائل تربیت و تعلیم اسلامی، سال ۲۲، شماره ۲۵.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۰)، **مجمع البیان**، ترجمه آیات، تحقیق و نگارش علی کرمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

عارفی مینا آباد، راهب (۱۳۹۴)، ضرورت گفتگو و اعراض از مجادله در جهان اسلام، **فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین**، سال چهارم، شماره دهم، بهار.

فضل الله، محمد حسین. (۱۳۷۹). ضرورت گفت و گوی ادیان و مذاهب، قم، **هفت آسمان**، ش ۷ کاظمی و بنی نعمه، صباح. ۱۳۹۳. آداب گفتگوی انسان‌ها با یکدیگر از منظر قرآن و روایات. شورای عالی حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران (آران و بیدگل).

گنجی، کامران؛ ابوالقاسم، یعقوبی و لطفعلی، رضا (۱۳۹۲ش)، اثرپذیری آموزش مهارت‌های پرسشگری به معلمان بر تفکر انتقادی دانش آموزان متوسطه، **روانشناسی تربیتی**، ش ۲۷.

لاله زاده، محمد و بهمنی، مریم (۱۳۹۸)، بررسی اخلاق و تربیت از دیدگاه امیرالمومنین علی (علیه السلام)، **کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین علی (ع)**، اصفهان. <https://civilica.com/doc/984772>

لیثی واسطی، علی (۱۳۷۶)، **عیون الحکم و المواعظ**، قم، دار الحدیث، چاپ اول.

مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۳۸۶)، **بحارالانوار**، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران: عطارد

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳)، **میزان الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ سوم، قم، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۴)، بررسی ابعاد نظری و عملی تعلیم و تربیت سؤال محور، **مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه**، تهران، سال اول، شماره ۲

نعمه، عبدالله؛ و کراجکی، محمد بن علی (۱۳۸۳)، **کنزالفوائد** (جلد ۲). ناشر مجمه ذخائر اسلامی.

نیازی، شهریار و گودرزی، طاهره (۱۳۹۶)، پرسشگری خداوند در قرآن کریم (مطالعه موردی سوره یس). **آموزه‌های قرآنی/بهار تابستان**، شماره ۲۵

هادی به، حمیده؛ غلامعلی، مهدی و غلامعلی، احمد (۱۳۹۵)، فرهنگ گفتگو در خانواده از منظر آیات و روایات با تأکید بر نهج البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی - دانشگاه قرآن و حدیث.

هارجی، اون و همکاران (۱۳۹۲)، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میانفردی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران: انتشارات رشد.

Gadamer, H. Georg. (1994). **Truth and Method**, J Weinsheimer and D G Marshall (trans), 2nd ed, Continuum, New York.





تحقيق موقف و مفهوم الحوار و التساؤل في تعاليم الامام على (ع)

سيد حسين الواعظي^١ | خديجة الطوفان فرد^٢ | زهرة السعادت مند^٣

الملخص

تعتبر المحادثة والتساؤل جزءاً مهماً من البيان، حيث يعتبر أهم رأس المال البشري، وقد جعل الإنسان قويا و قادراً على أمور كثيرة و خلق العديد من العلوم و المعارف، و يلعب دوراً هاماً في نقل العلوم التجريبية و ازدياد البيانات و المعلومات، و تصحيح و إعادة بنائها. لعبت دوراً مهماً. لقد أصر الإسلام، أكثر من أي دين آخر، على الحوار كمبدأ لتوعية الناس بحقائق الوجود و لتعريفهم بمنهج تكامل نفسه و للوصول الى الدين و الأسلوب الساميين. لذلك فقد تم إجراء البحث الحالي من أجل دراسة مكانة و مفهوم الحوار و التساؤل في تعاليم الامام على (ع)، و هو عملي من حيث الهدف و التحليلي الوصفي من حيث الاسلوب. اشتمل نطاق هذا البحث على كتب نهج البلاغة، تحف العقول، ميزان الحكمة، و غرر الحكم، فيما يتعلق بموضوعات الحوار و التساؤل، و التي تم أخذ عينات منها بشكل مستهدف. كانت آلة تجميع المعلومات بطاقات مكتوبة من قبل الباحث. في هذا البحث -أولاً- تم استخراج البيانات التي يحتاج إليها، من مراجعة النصوص الإسلامية. ثم تم تحليل البيانات باستخدام الترميز الموضوعي بما في ذلك ثلاث مراحل (الترميز المفتوح و المركزي و الانتقائي) باستخدام نظام التصنيف القياسي. تشير نتائج البحث إلى أن تحليل معاني المحادثة و التساؤل و أنواعها في تعاليم الامام على (ع) يشمل ١٧ بُعداً. معاني المحادثة (الكلام الحكيم، الكلام مع الفكر، الكلام في الوقت المناسب، الكلام الحق)، معاني التساؤل (التساؤل لاجل ازالة الجهل لا للأذى، الحرص على المعرفة، والتستر على العيوب، محاولة زيادة الوعي، الإجابة بصورة الوعظ، ومعرفة الحق عن الباطل أنواع المحادثات (الدفاع عن الحقيقة، المحادثة المفاهيمية، و المحادثة بهدف محدد) وأنواع التساؤل (السؤال في الوقت المناسب، السؤال الجيد، السؤال المستهدف، و السؤال الاستكشافي).

الكلمات الرئيسية: الإمام على(ع)، التساؤل، الحوار، التعاليم

١. الكتب المسؤل: أستاذ مشارك في قسم الالهيات، جامعة الحرة الإسلامية، وحدة الأصفهان (الخوراسجان)، الأصفهان، الايران.

Sh.vaezi@khuisf.ac.ir

٢. طالبة دكتوراه في فلسفة التعليم و التربية، جامعة الحرة الإسلامية، وحدة الأصفهان (الخوراسجان)، الأصفهان، الايران.

٣. أستاذ مشارك، قسم العلوم التربوية، جامعة الحرة الإسلامية، وحدة الأصفهان (الخوراسجان)، الأصفهان، الايران.